خود اختصاص داد و در دور دوم نیز در استان آذربایجان شرقی ۱ میلیون و ۶۷۲ هزار و ۱۹۳ رای از مجموع ۱ میلیون و ۹۳۶هزار و۷۲۵ رای، از استان آذربایجان غربی ۱ میلیون و ۱۱۴ هزار رای از مجموع ۱ میلیون و ۳۱۸ هزار رای و از استان اردبیل ۵۵۶هزار و ۱۳۴ رای از مجموع ۶۸۲هزار و ۱۸۶ رای به دست آورده است. به عبارتی در هر سه استان قریب به ۸۵ درصد آرا را به دست آورده است که طبیعتاً در رقابت تنگاتنگی که میان او و جلیلی بود عامل مؤثری در پیروزی به شمار می‌رفت، اما چرا این تصور رای قومی یا صرفاً قومیتی درباره این سه استان قابل قبول نیست. موضوع به تجربه انتخابات قبل و نسبت آرای آنها با جریان اصلاح‌طلب باز می‌گردد. ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که آمار آرا به شکل تفکیک استانی در ادوار گذشته یا یافت نمی‌شود یا به سختی به دست می‌آید اما ما برای بیان مدعای خود به اطلاعاتی از دو انتخاباتی که اصلاح‌طلبان (یا جناح چپ) دست به حمایت قاطع از گزینه‌ای از میان کاندیداها زده‌اند اشاره می‌کنیم. نزدیک‌ترین آن انتخابات ۱۳۹۲ بود؛ که جریان اصلاح‌طلب با اعلام نظر سیدمحمد خاتمی رهبر جبهه اصلاحات و اکبر هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دست به حمایت از حسن روحانی زدند و او که پیروز انتخابات شد در استان آذربایجان شرقی با ۱ میلیون و ۵۲ هزار و ۳۴۵ رای از مجموع ۱ میلیون و ۸۱۸ هزار و ۴۵۲ رای و از استان آذربایجان غربی ۸۸۵هزار و ۶۹۳ رای از مجموع ۱ میلیون و ۳۲۰ هزار و ۶۸ رای و از استان اردبیل ۳۸۴هزار و ۷۵۱ رای از مجموع ۶۳۵هزار و ۹۱۲ رای قریب به ۶۰ درصد آرای این سه استان را به خود اختصاص داد. پیش از آن هم در انتخابات ۱۳۸۰ که نقشه پراکندگی آرای رئیس جمهور خاتمی در رسانه‌ها منتشر شد (تصویر ۱)، درصد رای‌دهی به این گزینه جبهه دوم خرداد بالغ بر ۷۰ درصد بوده است. رای اصلاح‌طلبان در انتخابات ادوار مجلس هم در این استان‌ها نشان از آن دارد که هرگاه گزینه مقبول اصلاح‌طلبی در انتخابات حضور داشته این استان‌ها به آنها گرایش دارند و جزء استان‌های برجسته مهم در پایگاه رای اصلاح‌طلبان‌اند.

البته داستان سبد رای پزشکیان و رقیب انتخاباتی او جلیلی در استان‌های دیگر هم سر دراز دارد که در ادامه به‌طور خلاصه به آن می‌پردازیم.

استان‌های مرکزی

بنابر اطلاعات منتشرشده از پراکندگی آراء استانی انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم اکثریت استان‌های مرکزی در دور اول انتخابات حامی اصولگرایان بودند، البته بخشی از مناطق در دور دوم که با رشد جمعیت مشارکت‌کنندگان همراه شد، نسبت آرای دو کاندیدا در آن مکان‌ها تغییر کرد. مثلاً مردم استان فارس در دور اول انتخابات ۵۳۴ هزار و ۹۴۷ رای به نام پزشکیان و ۶۳۴ هزار و ۲۹۴ رای به نام جلیلی در صندوق ریختند و به جز آرایی که به محمدباقر قالیباف و مصطفی پورمحمدی به‌عنوان دو چهره دیگر اصولگرا دادند، ۱۰۱ هزار و ۳۴۷ رای فقط فاصله رای جلیلی با پزشکیان بود اما در دور دوم میزان رایی که به پزشکیان داده شد برابر با ۸۸۴ هزار و ۱۱۷ رای در برابر ۸۵۶هزار و ۴۵۴ رای به جلیلی بود و براساس آن با ۲۷ هزار و ۸۵۰ رای پزشکیان در دور دوم در این استان اول شد یا مثلاً در استان قزوین نیز در دور اول جلیلی با ۱۶۶ هزار و ۸۵۲ رای پیش از پزشکیان با ۱۵۶ هزار و ۸۵۳ رای قرار داشت. یعنی ۹ هزار ۹۹۹ رای تفاوت آرای پزشکیان و جلیلی بود اما در دور دوم با افزایش مشارکت آرای پزشکیان به ۲۵۸ هزار و ۷ رای در برابر ۲۲۴ هزار و ۴۵۴ رای جلیلی می‌رسد و پزشکیان با ۳۳ هزار و ۵۵۳ رای در جایگاه بالاتر قرار می‌گیرد. این تغییر موقعیت رای اول و دوم در بقیه استان‌های مرکزی رخ نداد اما در برخی استان‌ها شاهد تفاوت نسبت آرای کاندیداها در دو دوره انتخابات بودیم. مثلاً در استان البرز در هر دو دوره پزشکیان رای اول و جلیلی رای دوم را داشته است اما تناسب آرا تغییر کرده است. چنانچه در دور اول پزشکیان ۲۹۸ هزار و ۶۶۴ رای در برابر ۲۷۱ هزار و ۶۹۵ رای جلیلی به دست آورد و فاصله آرای آنها ۲۶ هزار و ۹۶۹ رای بود اما در دور دوم پزشکیان ۴۸۰ هزار و ۲۸۲ رای به دست آورد و جلیلی با فاصله ۱۲۲ هزار و ۴۴۴ رای کمتر برابر ۳۵۷ هزار و ۸۳۸ در جایگاه دوم قرار گرفت و عملاً آن رقابت نزدیک فاصله بیشتری پیدا کرد. این موضوع تغییر تناسب‌ها به شکل کاهش فاصله دو رقیب در استان‌هایی مانند استان اصفهان و یزد رخ داده است. اگرچه جلیلی در هر دو دوره در این استان‌ها رای اول را داشت اما تناسب تفاوت آرای او و پزشکیان در دور دوم متفاوت بود. جلیلی در دور اول با ۸۷۸ هزار و ۵۰۰ رای در برابر ۴۳۲ هزار و ۴۰۰ رای پزشکیان و با فاصله ۴۴۶ هزار و ۱۰۰ رای در جایگاه بالاتر قرار گرفت اما در دور دوم این فاصله کمتر شد. چنانچه ۱ میلیون و ۸۰ هزار و ۲۳ نفر در استان اصفهان به جلیلی و ۷۰۲ هزار و ۹۷۵ نفر به پزشکیان رای دادند و فاصله آرای آنها به ۳۷۷ هزار و ۴۸ رای رسید و یا استان یزد که جلیلی در دور اول با فاصله ۴۷ هزار و ۸۱۷ رای نسبت به پزشکیان دست بالا را داشت در دور دوم اکثریت آرا را با ۱۹۴۰ رای بیشتر به دست آورد.

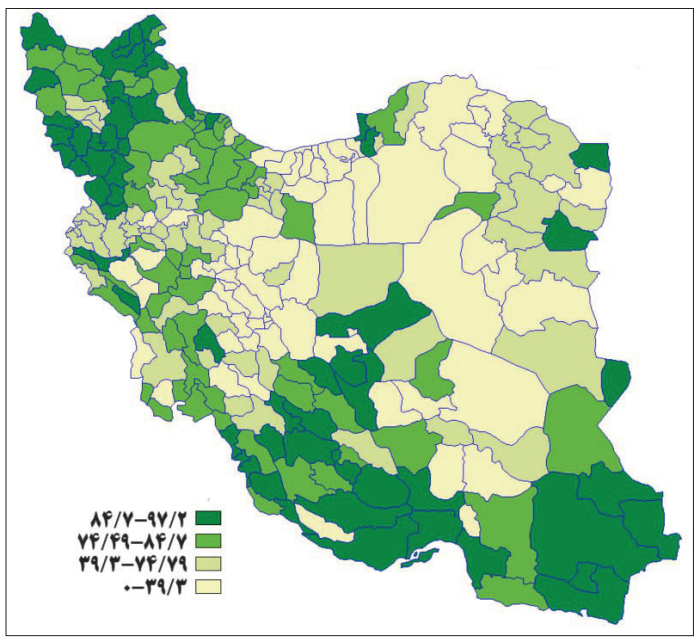

درصد آرای محمد خاتمی در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری ایران

برای ترسیم تصویر کلی از فضای سیاسی کشور تا زمانی که اکثریت خاموش تصمیم به ورود به بزنگاهی مانند شرکت در انتخابات نگیرند، جریان‌های سیاسی با قاطعیت نمی‌توانند از پایگاه رای و جایگاه اجتماعی خود سخن بگویند. تنها می‌توان چنین برداشت کرد که با توجه با اینکه آرای خاموش مخالف وضع موجود هستند و به دلیل ناامیدی از تغییر، چنین شیوه‌ای را برگزیدند، پس همسو با اصولگرایان نیستند اما اینکه چقدر همراه اصلاح‌خواهان و همسو با آنها رفتار کنند؛ فعلاً قابل برداشت نیست

چیدمان آرا در استان‌های غربی

آرا در استان‌های غربی تقریباً همسو با شمال غرب و به نفع پزشکیان بود. این استان‌ها هم طی ادوار گذشته انتخابات بارها همراهی‌شان را با جریان اصلاح‌طلب نشان داده‌اند؛ استان ایلام، کرمانشاه، کردستان از جمله این استان‌ها هستند که البته در دور دوم انتخابات اخیر تناسب آرای داده‌شده نیز به نفع پزشکیان تغییر کرده است. برای نمونه در دور اول در استان کرمانشاه پزشکیان با ۱۴۰ هزار و ۲۸۲ رای در برابر ۶۲ هزار و ۶۰۶ رای جلیلی در جایگاه بالاتر قرار گرفت و فاصله آرای آنها ۷۷ هزار و ۶۷۶ رای بود اما در دور دوم آرای پزشکیان به ۴۴۷ هزار و ۷۶۲ رای در برابر ۱۹۳ هزار و ۸۷۰ رای جلیلی افزایش یافت و فاصله آن به ۲۵۳ هزار و ۸۹۲ رای رسید. این تناسب در سایر استان‌های مذکور نیز به همین نحو بوده است البته در نواحی جنوب غرب کشور یعنی استان‌های خوزستان و بوشهر هم نوع نگاه متفاوت بوده و هم با وجود افزایش رای‌دهندگان تناسب آرا تغییر نکرده است. این دو استان طی چند انتخابات اخیر از جمله پایگاه رای اصولگرایان بوده است و در انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم هم در هر دو دوره به سعید جلیلی رای داده‌اند.

چیدمان آرا در استان‌های شرقی

اگرچه استان سیستان و بلوچستان در انتخابات ۱۴۰۰ رای قابل‌توجهی در سبد اصولگرایان ریخت اما معمولاً این استان از جمله پایگاه‌های رای اصلاح‌طلبان است و شاهد آن هستیم که به‌ویژه اهل تسنن این منطقه مانند اهل تسنن استان‌های دیگری مانند کرمانشاه و کردستان رای‌شان را به گزینه‌های اصلاح‌طلب بیشتر داده‌اند تا گزینه‌های اصولگرا. در این دوره هم در هر دو دوره رای ریخته شده در صندوق از سوی مردمان این استان به نفع گزینه اصلاح‌طلبان بوده است. چنانچه در دور اول پزشکیان با ۴۴۳ هزار و ۲۲۶ رای در برابر ۱۹۹ هزار و ۹۷۶ رای سعید جلیلی در جایگاه اول قرار گرفت و در دور دوم با افزایش مشارکت این آمار به ۶۵۵ هزار ۱۵۳ در برابر ۳۳۰ هزار و ۴۴۰ رای جلیلی رسید. البته استان‌های بالادست سیستان و بلوچستان نوع نگاه متفاوتی نسبت به انتخابات داشتند و حتی با وجود اینکه رای اول استان خراسان شمالی در دور اول انتخابات پزشکیان بود، در دور دوم این استان هم به جمع استان‌ها با اکثریت اصولگرای حامی جلیلی پیوست. چنانچه در دور اول در خراسان شمالی پزشکیان با ۲۵ رای بیشتر نفر اول شد. رای پزشکیان در این استان ۱۱۵ هزار و ۶۹۷ رای در برابر ۱۱۵ هزار و ۶۷۲ رای بود اما در دور دوم آرای جلیلی ۱۸۹ هزار و ۳۸۳ رای در برابر ۱۸۳ هزار و ۴۸۷ رای پزشکیان قرار گرفت و با ۵ هزار و ۸۹۶ رای نفر اول در این استان شد. اکثریت آراء استان‌های خراسان جنوبی و رضوی نیز با جلیلی بود و در دور دوم شاهد افزایش اختلاف آراء میان این دو کاندیدا به‌ویژه در خراسان رضوی بوده‌ایم.

چیدمان آرای استان‌های شمالی و جنوبی

استان‌های شمالی و جنوبی براساس بررسی ادوار مختلف انتخابات کمتر پیرو یک الگوی خاص دست به رای دادن زده‌اند. در این دوره هم مردم هرمزگان به‌عنوان استان جنوبی کشور تصمیم به رای به جلیلی گرفتند و اکثریت آرا را در سبد رای اصولگرایان ریختند و در برابر استان‌های شمالی رای دادن به پزشکیان را انتخاب کردند. البته استان مازندران در دو دوره انتخابات اخیر تنها استان این خطه بود که مردمش دو رویه مختلف را در پیش گرفتند و یک دوره رای اول آنها جلیلیِ اصولگرا و یک دوره پزشکیان به‌عنوان گزینه اصلاح‌طلبان است. مردم مازندران در دوره اول به پزشکیان ۴۰۶ هزار و ۴۸۵ رای دادند و به جلیلی ۴۴۸ هزار و ۳۰۸ رای دادند که جلیلی با فاصله ۴۱ هزار و ۸۲۳ رای در جایگاه بالاتر از قالیباف قرار گرفت اما این تناسب در دور دوم تغییر کرد. مردم این استان در دور دوم با افزایش مشارکت، ۶۶۷ هزار و ۳۲۴ رای به پزشکیان و ۶۰۱ هزار و ۱۸۵ رای به جلیلی داد و با این نتیجه پزشکیان با ۶۶ هزار و ۱۳۹ رای دست بالا را در این استان به دست آورد.

سخن آخر

مشارکت کمتر از ۵۰ درصد مردم در این انتخابات با وجود اینکه در دور دوم بیش از ۹ درصد آرای خاموش به عرصه انتخابات وارد شدند، نشان از آن دارد که هنوز هم می‌شود با فضاسازی و تلاش برای ایجاد یک انتخابات رقابتی، شاهد همراهی این جماعت نیز باشیم اما آنچه براساس همین تغییر و تحول آماری طی دو دوره انتخابات شاهد هستیم اول از همه آن است که مردم منتقد وضع موجود برای تغییر و اصلاح هنوز هم به صندوق رای پناه می‌برند تا حداقل مانع حضور تفکری شوند که نمی‌خواهند بر زندگی‌شان سایه بیافکند. این موضوع را از افزایش مشارکتی که در استان‌های مختلف طی دور دوم انتخابات نسبت به دور اول آن رخ داد، می‌توان استنباط کرد. در این بین، براساس این چیدمان رای، چنین قابل برداشت است که اهل تسنن به گزینه اصلاح‌طلب بیش از اصولگرا تمایل دارند؛ چنانچه تصمیم مردم استان‌های کرمانشاه، کردستان و سیستان و بلوچستان را شاید بتوان از این دست تصمیمات دانست. همچنین از نزدیکی آرای دو کاندیدا در مناطق مرکزی این برداشت حاصل می‌شود که با این میزان مشارکت هر لحظه پیروزی یک جریان بر جریانی دیگر ممکن است. البته در همین کاهش مشارکت، پیروزی گزینه مورد حمایت اصلاح‌طلبان به معنی این می‌تواند باشد که در اقلیت فعال جامعه نیز اکثریت با تغییرخواهان و اصلاح‌طلبان است. برای ترسیم تصویر کلی از فضای سیاسی کشور تا زمانی که اکثریت خاموش تصمیم به ورود به بزنگاهی این چنینی نگیرند، جریان‌های سیاسی با قاطعیت نمی‌توانند از پایگاه رای و جایگاه اجتماعی خود سخن بگویند. تنها می‌توان چنین برداشت کرد که با توجه با اینکه آرای خاموش مخالف وضع موجود هستند و به دلیل ناامیدی از تغییر، چنین شیوه‌ای را برگزیدند، پس همسو با اصولگرایان نیستند اما اینکه چقدر همراه اصلاح‌خواهان و همسو با آنها رفتار کنند؛ فعلاً قابل برداشت نیست. امید که انتخابات‌های بعدی با بهبود شرایط و ایجاد حس مساعدتری برای مردم مشارکت بالاتری را در پی داشته باشد.

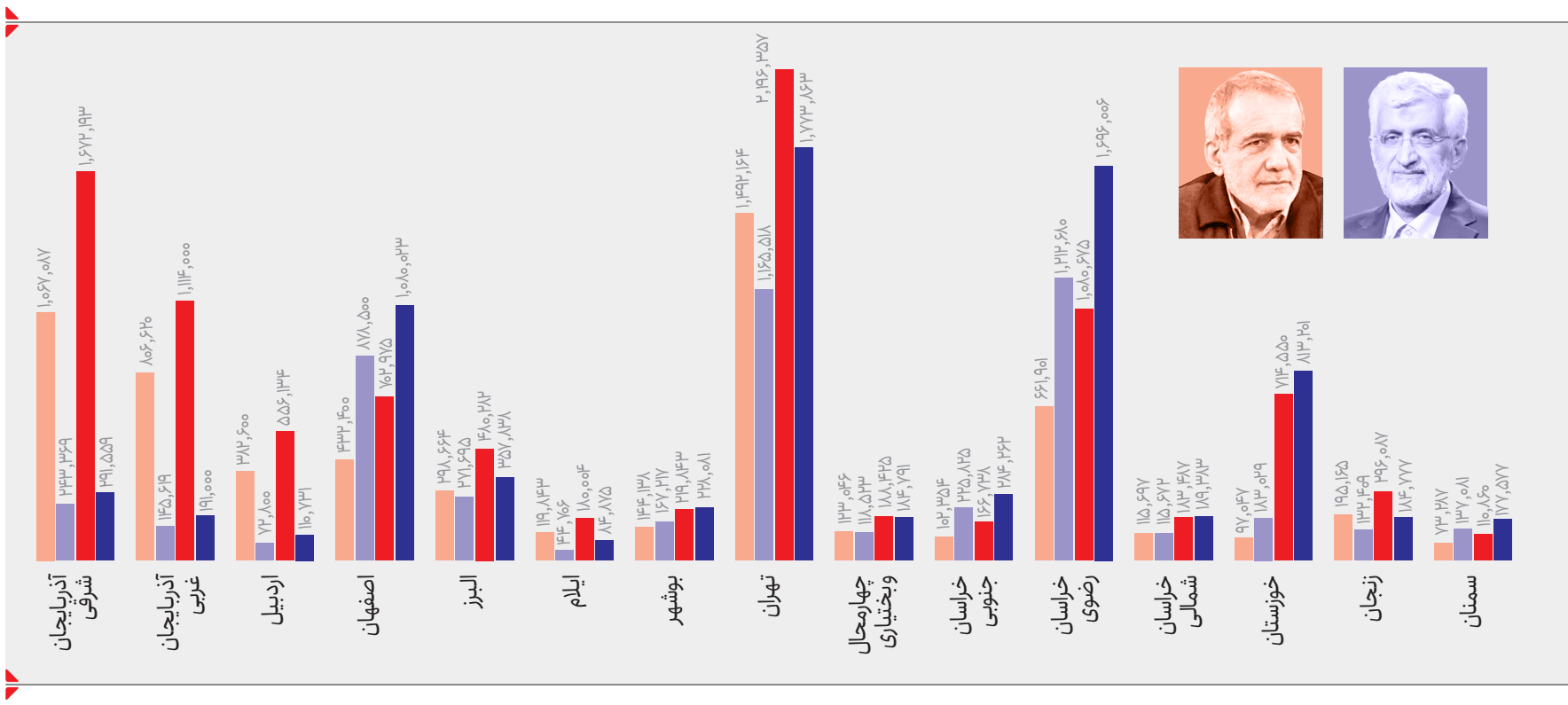

سیاستمداران

دولت سایه براساس توهمات نظریه‌پردازی نکند

محمد عطریانفر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در گفت‌وگو با ایلنا درباره دولت سایه گفت: «نفس تاسیس و تشکیل دولت سایه، امر خوبی است، که پابه‌پای دولت مستقر و مطابق با همه فرآیندهای مدیریتی کشور حرفی برای گفتن داشته باشند.» وی افزود: «لکن آنچه که مهم است و باید تذکر دهیم این است که جناب آقای جلیلی که در واقع دولت را مراقبت می‌کنند و عملکردهایش را نقد می‌کنند، باید در مقام مشاور و ارائه مشورت‌های نقدگونه به مبانی و اصول نقد منصفانه و ورود به موضوعات مشترک با اطلاعات واحد اقدام کنند، این نباشد که دولت در پارادایم خودش صحبت کند و دولت سایه هم براساس توهمات خودش صحبت کند. ما اصل دولت سایه را تایید می‌کنیم اما این نیست که دولت سایه براساس توهمات موردی و شخصی خودش بخواهد نظریه‌پردازی کند؛ این را مورد نقد می‌دانیم.»

چند انتصاب غیرقانونی در وزارت کشور

محمدجواد کولیوند، رئیس ستاد کشوری یاران پزشکیان در خصوص عدم رعایت بخشنامه سرپرست ریاست‌جمهوری توسط برخی دستگاه‌های اجرایی در صفحه شخصی خود در ایکس نوشت: «طبق بخشنامه شماره ۴۳۷۶۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۲ سرپرست محترم ریاست‌جمهوری به دستگاه‌های اجرایی، تغییر در ساختار سازمان‌ها و جابه‌جایی نیروها تا استقرار دولت چهاردهم ممنوع اعلام شد اما برخلاف این بخشنامه طبق اطلاع واصله پس از این تاریخ چندین انتصاب در وزارت کشور در قامت مدیرکل، معاون مدیرکل و... انجام شده است.» وی تصریح کرد: «وزارت کشور را باید از هرگونه بازی‌های سیاسی و مهره‌چینی به‌دور نگه‌داشت. عمل به قانون و رعایت اخلاق به‌خصوص در ایام پایان دولت‌ها لازمه انجام کار سیاسی است.»

جبهه اصلاحات سهم‌خواهی ندارد

محمود صادقی، عضو هیئت‌رئیسه جبهه اصلاحات در گفت‌وگو با جماران گفت: «آنچه که آقای پزشکیان وعده کرده‌اند، غیر از رویکردهای سیاسی و اجتماعی، بحث توجه به زنان، جوانان و همچنین اقوام و مذاهب است. یعنی این معیارها مورد تأکید جبهه اصلاحات است؛ ولی تاکنون هیچ بحثی روی مصداق نشده و جبهه اصلاحات اصلاً سهم‌خواهی ندارد. ولی مصداق‌هایی که مورد تعارض با این معیارها باشند، طبیعی است که مورد حمایت جبهه اصلاحات نباشد.» وی ادامه داد: «باید انتظارات ما از ریاست‌جمهوری متعارف باشد؛ سطح انتظارات نباید خیلی بالا برود و از حدود اختیارات رئیس‌جمهور نباید فراتر برود. به نظرم یک هوشیاری که آقای پزشکیان در بیان وعده‌های خودش داشت، این بود که وعده زیاد نداد و گفت کارشناسان را برای برنامه‌ریزی به کار می‌گیرد. البته بعضی موارد خاص مثل فیلترینگ و FATF را هم گفت.» صادقی گفت: «من از نگاه حقوقی به موضوع نگاه کردم که ایشان تعهد به نتیجه نداد و تعهد به وسیله داد. یعنی می‌گوید تمام تلاشم را برای رسیدن به آن نتیجه انجام می‌دهم اما آن نتیجه به خیلی عوامل دیگری بستگی دارد.»